

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



سخنرانی استاد داستانیپور

موضوع: برنامه ریزی معنوی

بحثی که امروز خدمتتون هستیم پیرامون برنامه ریزی معنوی هستنش. این که برنامه داشته باشیم برای معنویات. ممکنه سوالاتی پیش بیاد که این برنامه ریزی که ما مطرح میکنیم و اینکه به لحاظ معنویت آدم باید برنامه داشته باشه چه شکلیه؟ چه قواعدی داره؟ چطور باید انجامش بدیم؟ قبل از اینکه ویژه تر به این بحث جواب بدم، من یه سؤال میکنم که مقدمه جواب باشه. میدونم جواب همه هم مثبته. اما این سؤال قشنگیش به اینه که جواب سؤال منفی باشه. اگه مثبت باشه دیگه همیشه بحث کرد. سؤال بنده اینه که بدونم چند درصد از رفقا و بالاخص رفقای که یک مقدار بیشتر در جلسات هیئتی و مذهبی بودن، واقعا از شرایط دینی و مذهبی خودشون راضی هستن. حالا من یه مثال بزنم که یک مقدار شفاف بشه.

از مرحوم علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) در اواخر عمرشون ازشون سؤال کردن که آقا اگر شما جوان بشی یا نوجوان بشی، مثلا آقا برگرد به جوانیت. اگه خواستی از نوجوانی بیای به این سن بررسی که الان هستی چه کاری انجام میدی؟ حضرت علامه یک جواب خیلی زیبا دادن.

فرمودند که من اگر جوان بشوم دوباره همین مسیری را که طی میکنم که تا به حال

طی کرده و تمام کارهایی که تا به حال انجام داده ام را دو مرتبه انجام میدهم. چون یک لحظه از عمرم را تلف نکردم و به کار غیر لازم هم مشغول نبوده و همیشه بهترین کارها را انجام میدادم.

یعنی یک لحظه از عمرم رو پشیمون نیستم. بخوام گزارش بدم شفاف میام از نوجوانیم گزارش میدم. دقت کردید. علامه طباطبایی میگن اگه من برگردم اینطور رفتار میکنم. بنده سؤالم اینه: ما چطور هستیم. چند نفر با این معیار وبا این قاعده- ای که عرض کردم، واقعاً از وضعیت معنوی خودشون راضی هستن؟ یعنی یک نفر بگه آقا من اونى که میخواستم الان هستم، اونى که باید باشم. آیا کسی بین شما هست؟ واقعا کسی بخواد زندگیش رو تحلیل کنه، چند نفر هستن که بتونن یک چنین شرایطی در خودشون ایجاد کرده باشند.

یه نکته دیگه هم بگم بعد وارد بحث بشم. آقا چرا بعضی از بچه مذهبی ها، مثلاً یه مدت میان در این مراسمات مذهبی دیندار میشن و وارد فضای دینداری میشن اما بعد از چندوقت میکشن کنار. بعضی ها هم که میمونن. توی یه مقطع که نگاهش کنی احساس میکنی که داره رو تردمیل راه میره، یعنی فقط داره درجا میزنه. دلخوش هستش که پاش داره تگون میخوره ولی جلو نمیره. چی میشه بچه مذهبی هامون دچار روزمرگی میشن؟ البته از لحاظ معنوی.

این جمله رو یه جایی گوشه ذهنتون داشته باشید: ((کفر متحرک از ایمان ساکن ارزشمند تره)) بهترین آب رو بریزی داخل یه حوض اما راکد نگهش داری بعداز یه مدت بوی تئفن به خودش می گیره. بهترین آدمها، یه آدم مذهبی، یه بچه هیئتی، یه مدت درجا بزنه و حرکت نکنه، بعداز چند مدت که نگاهش کنی احساس بدی بهت دست میده. خودش هم از این حال و روز خودش اذیت هستش. حالا سؤال بنده اینه: چی میشه بعضی از بچه های ما، حالا بچه های مذهبی مون، غیر مذهبی ها رو کاری نداریم، دچار یه روزمرگی میشن. به خودشون هم که رجوع میکنن از خودشون راضی نیستن. از وضعیت موجودشون راضی نیستن. آیا اونى که دنبالش بود همونى هست حالا شده یا خیر. دلیلت چیه؟

یک جمله: برنامه ریزی ندارن.

چرا برنامه ریزی ندارن؟ خواسته هاشون کوچکه. هدفشون مشخص نیست.
اطلاعات ندارن. دلایلش این موارد.

ما به صورت کلی یه چیزایی رو میدونیم. ما به صورت کلی میدونیم خوب بودن خوبه. هممون دوست داریم که خوب باشیم. به صورت کلی این رو شنیدیم: که آقا اگر یه کسی سرباز امام زمان (عج) باشه، یار امام زمان باشه، امام زمان (عج) کسی رو که ببینه لذت ببره، این خیلی خوبه. اینو میدونیم چیز قشنگیه. اینکه من به چشم امام زمان (عج) پیام چیز خوبیه دیگه. این هارو هممون میدونیم. کلیات رو همه بلدیم. خوب بودن خوبه، یار امام زمان بودن خوبه، سرباز حضرت بودن خوبه، بندهی خدا بودن خوبه. اما به صورت جزئی برایش برنامه نداریم. کسی هست که دوست نداشته باشه امام زمان (عج) رو ملاقات کنه؟ کسی هست که دوست نداشته باشه جزء یاران امام زمان (عج) باشه؟ معمولاً تیپ بچه مذهبی های ما دوست دارن سرباز امام زمان (عج) باشن. همه دوست دارن امام زمان (عج) نامه عملشون رو مهر تایید بزنه. "حشام" یکی از اصحاب امام صادق (ع) بود که امام صادق (ع) هر کجا میرفتن می فرمودن ما یک یار داریم، حشام، دوست نداریم امام زمان هر کجا میره بگه که ما یک یار داریم، یک محب داریم، فلانی. هممون دوست داریم ولی مشکل یک جاست. مشکل کجاست؟ به صورت کلی دوست داریم ولی به صورت جزئی برایش برنامه نداریم. به صورت هدف برامون تعریف نشده. یک ارزش است. اینکه برنامه داشته باشیم، این مهمه. حالا سؤال اینه که این برنامه ریزی چه شکلی باید اتفاق بیافته؟ بگذارید اول یه سوالی که تو ذهن بعضی ها هست رو جواب بدیم که میگن حاج آقا ما تا حالا چندین دفعه برنامه ریزی کردیم ولی به جایی نرسیدیم. دیگه ناامید شدیم. چقدر من تا حالا تصمیم گرفتم، برنامه ریزی کردم که بشم جزء سربازان امام زمان اما بعضی موقع ها تازه بدتر هم میشه. دیدی آدم وقتی اعتکاف میره، فردای اعتکاف شیطان بدجورتر میاد تو میدون مبارزه. شرایط سخت تر میشه. شیطان برای ما برنامه داره، بی خیال ننشسته و نمیخواد ما پیشرفت کنیم، لذا محکم وارد میشه که ما رو زمین بزنه. متأسفانه عده ای از ما هم وقتی چندمرتبه برنامه ریزی می کنیم و در انجامش شکست میخوریم، دیگه بیخیال میشیم. مثلاً کسی که میگه رفتم کربلا،

مشهد، مدینه و... تصمیم جدی گرفتم، برنامه ریزی کردم، بعد از یک مدت همه شون رو گذاشتم زیر پام، دیگه خجالت میکشم که دوباره برنامه ریزی کنم.

روز قیامت میدونی خدا جواب این افراد رو چطور میده؟ جایی دیدم که ادیسون برای یکی از اختراعاتش ۱۷۰۰۰ بار شکست خورد تا بالاخره موفق شد. روز قیامت این فرد رو میارن، ادیسون رو هم میارن. به این آقا میگن چندبار برای رسیدن به امام زمانت برنامه ریزی کردی و نشد؟ مثلاً صدبار. به ادیسون میگن شما چند دفعه برنامه ریزی کردی که یه ماده پلاستیکی رو اختراع کنی؟ میگه این تعداد دفعه. اگه شما بودید تو یه چنین نیت مادی چند دفعه اگه زمین میخوردی پا میشدی. ادیسون رو که میارن، میگن تو میخواستی به امام زمانت برسی ۵ دفعه شکست خوردی ۱۰ دفعه زمین خوردی، برنامه ریزی کردی نشد، رفتی دیگه توی حاشیه، گفتی ما همین دو رکعت نمازی که میخونیم بسه. این آدم برای یک اختراع، ۱۷۰۰۰ بار تلاش کرد، تو شد برای امام زمانت ۱۷۰۰۰ بار تلاش کنی؟ این نکته اول.

نکته دوم: فکر می کنید چرا ما تو برنامه ریزی هامون شکست میخوریم؟ دلیلش اینه که یهو بار سنگین برمیداریم و زیاد از توانمون به خودمون تحمیل میکنیم. کسی که نماز صبح اول وقت نمیخونه حالا میخواد یک ساعت و نیم قبل از اذان صبح بیدار بشه نماز شب بخونه؟ شاید اوایلش چندروزی بتونه ولی بعد کم میاره. بعد از نماز شب که خوشش نیامد هیچ، حالش هم بهم میخوره. پس چکار کنیم. یک قاعده هست؛ "قاعده نیم رمق". این قاعده رو آخوند ملاحسین قلی همدانی استاد سیدعلی آقا قاضی طباطبایی فرمودند. در برنامه ریزی های معنوی این اصله.

میگه "نیم رمقی که داری به کار بگیر خدا توانت را مضاعف بلکه بیشتر میکند." یک مثال بزنم. مثلاً کسی نماز صبحش رو با تاخیر میخونده و حالا میخواد شروع کنه به خوندن نماز شب. باید کم کم و بطور تدریجی ساعت خوابش رو عقب بیاره تا انشا... به اون امر نائل بشه. و اگر بخواد یک دفعه ساعت خوابش رو یکی دو ساعت عقب بیاره حتما شکست میخوره. یا مثلاً بحث انس با امام زمان (عج) که بنده گفتم. آقای میلانی میفرماد: شیعه‌ای که روزی نیم ساعت برای امام زمانش وقت نگذاره نسبت به امام زمانش بی معرفته. داره ظلم به امام زمان (عج) میکنه. حداقل نیم ساعت. نیم رمق یعنی این الان بخوای راحت با امام زمان ارتباط ایجاد کنی، انس داشته باشی، گفت و گو داشته باشی چند

دقیقه راحت میتونی؟ مثلا ۵ دقیقه. از همون ۵ دقیقه شروع کن. آخوند ملاحسین قلی همدانی میفرمان آگه شروع کردی خدا توانت را مضاعف بلکه بیشتر میکنه. یعنی چه؟ یعنی تو الآن توانت پنجه. آگه این پنج رو رهانش نکردی، روش برنامه ریزی کردی بعداز یک مدت این ۵ میشه ۱۲. دو برابر نمیشه، دو برابر بعلاوه x میشه ۱۲. همیشه ۲۴، میشه ۳۰.۳۰. میشه ۶۰، میشه ۷۰. مضاعف بیشتر. یعنی کم رشد میکنی. با این قاعده هرکس پیش او مد شکست نمیخوره. ما حالا میخوایم یهو نیم ساعت با امام زمان (عج) ارتباط برقرار کنیم. یا تلاوت قرآن روزی یک جزء. سه چهار روز، روزی یک جزء میخونه بعد، یکسال دیگه نگاه به قرآن نمیکنه. باید تدریجی افزایش داد.

حرف آخر؛ همین قدر که بلدید برنامه ریزی کنید، همین هایی که بلدید. میدونید دروغ نباید بگید، خوش اخلاق باشید، احترام به پدر مادر بگذارید، نماز مهمه، محرم و نامحرمی و... اینا را میدونید. روی همین ها که برنامه ریزی کنی ببین چه قدر رشد میکنی. باید انس با امام زمان (عج) هم داشته باشی. بخدا قسم آگه کسی دستش رو گذاشت تو دست امام زمان (عج) هیچ وقت کج نمیره.

پس در برنامه ریزی هامون

۱- عجله نکنیم، قاعده نیم رمق رو بکار بگیریم.

۲- هر وقت هم زمین خوردی یاد ۱۷۰۰۰ بار شکست ادیسون بیفت. باشه آگه بیشتر از ۱۷۰۰۰ بار زمین خوردی بعد برو کنار. روز قیامت میتونی بگی آگه این برای یه ماده پلاستیکی ۱۷۰۰۰ مرتبه زمین خورد و باز راه افتاد، منم ۱۷۰۰۰ مرتبه تو مسیر امام زمان زمین خوردم.

۳- این نکته هم فوق العاده کارسازه؛ انس با امام حسین (ع). واقعا عالیه. هرکجا کم آوردی بیا در خونهی امام حسین (ع).

خیلی ها ایستادن که این امام حسین (ع) رو از من و شما بگیرن. حواسمون باشه چه گوهر گرانبهایی رو خدا بهمون عنایت کرده ست.

به بهونه ماه رمضان یه نکته هم در باب سحر عرض کنیم.

خدا میدونه آگه خیر دنیا و آخرت رو میخواید عادت کنید به شب زنده داری یا سحر خیزی. لذت عبادت رو میخواید در سحر خیزی. قبل از اذان صبح. کسی که سحر نداره از خود خبر نداره. در دل سحر یک شراب هایی مینوشانند که هیچ

عقلی نمیتونه تصور کنه. لذا برای همینه که اولیای خدا وقتی نماز شبشون قضا میشد گریه میکردن. مواظب باشید لذت رو برامون این طور تعریف نکنن ۴ تا فیلم ۲ تا بلوتوث و اس ام اس. یه لذت هایی تو این عالم هست که اگه بچشم اینا نمیتونه ازمون دلبری کنه. وقتی به یه بچه کوچولو یه بادکنک میدی انگار تموم دنیا رو بهش دادی اما یه آدم بزرگ که چیزای بزرگی دیده بادکنک که نمیتونه دلش رو خوش کنه.

درضمن ماه رمضان فرصت خوبیه برای شروع برنامه ریزی معنوی. اگه تابحال برنامه نداشتیم در این ماه که بزرگان اون رو اول سال معنوی میدونن برنامه ریزی کنیم انشالله موفق خواهد شد. چه فرصتی بهتر از این. از دستش ندید...

جلسات هفتگی هیئت دانش آموزی انصارالمهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شهرکرد

سه شنبه شب ها همراه با نماز مغرب و عشاء مهدیه مصلی امام خمینی (ره)

باسخنرانی استاد داستانپور

عجل...
تعالی فرجه
الشریف

انصار

هیأت دانش آموزی شهرکرد